

لابی‌گری شرکت، دیدگاه و محافظه‌کاری حسابداری

محمود لاری دشت بیاض

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
m.lari@um.ac.ir

شعبان محمدی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، قوچان، ایران (نویسنده مسئول)
shaban1362@gmail.com

نادر نقش‌بندی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، قوچان، ایران
nader_naghshbandi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۰۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین لابی‌گری شرکت و محافظه‌کاری است. همچنین بررسی می‌شود که چگونه دیدگاه (دیدگاه عمومی) شرکت ارتباط بین فعالیت‌های لابی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری را شکل می‌دهد. در این راستا از اطلاعات به‌دست‌آمده از ۲۵۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ استفاده شد. این تحقیق از لحاظ هدف، از نوع تحقیق‌های کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است و در آن از مدل رگرسیون (لجستیک، او. ال. اس) و آزمون علیت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های مطرح‌شده استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین لابی‌گری شرکت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین برای شرکت‌های دارای دیدگاه عمومی بیشتر نیز رابطه معنادار است. شرکت‌های لابی‌گری با سطوح دید (دیدگاه) بالا، محافظه‌کاری بیشتری دارند. شرکت‌های دارای لابی بالاتر، سطوح بالاتری از محافظه‌کاری مشروط را نشان می‌دهند. بین شدت لابی و محافظه‌کاری غیر مشروط حسابداری، رابطه منفی معناداری وجود دارد. افزایش در شدت لابی از سوی شرکت، افزایش‌های بعدی در محافظه‌کاری حسابداری را پیش‌بینی می‌کند. با این حال، افزایش در محافظه‌کاری حسابداری شرکت، افزایش در شدت لابی را نشان نمی‌دهد. بروز لابی‌گری با محافظه‌کاری حسابداری شرکت در سال بعد رابطه معناداری دارد، اما با محافظه‌کاری حسابداری شرکت در قبل، رابطه معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی: لابی‌گری شرکت، محافظه‌کاری مشروط، دیدگاه عمومی، ارتباط سیاسی.

۱- مقدمه

لابی‌گری عبارت است از فرآیند تأثیرگذاری بر مقامات دولتی برای ترویج، تضمین یا شکست قانون (کارول و بوچولتز، ۲۰۰۸). شرکت‌های آمریکایی مقدار فراوانی، بیش از ۳،۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ در مورد لابی‌کنگره و سازمان‌های مختلف فدرال در واشنگتن دی سی صرف کردند (چن و همکاران، ۲۰۱۵). فرضیه هزینه‌های سیاسی نشان می‌دهد که شرکت‌ها لابی می‌کنند تا عدم اطمینان نظارتی را کاهش دهند و شرکت‌های لابی‌گری کننده تحت نظارت عمومی احتمالاً محافظه‌کاری حسابداری را اتخاذ می‌کنند (واتز، ۱۹۷۷؛ واتز و زیمرمن، ۱۹۷۸). علاوه بر این، دامنه مشاغل سازمانی در دو دهه گذشته گسترش یافته تا شامل فعالیت‌های سیاسی شود (در توماس، ۲۰۱۵)؛ بنابراین لابی شرکتی، احتمالاً نه تنها اقدامات استراتژیک شرکت برای مدیریت عدم اطمینان قانونی، بلکه اقدامات شرکت‌ها برای ایجاد روابط سیاسی است. با هدف قرار دادن این جریان‌ها، هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین لابی شرکت و محافظه‌کاری است. شرکت‌ها برای تضعیف عدم اطمینان قانونی و به دست آوردن نتایج مطلوب نظارتی با ارائه مدارک و اطلاعات به سیاست‌گذاران لابی می‌کنند. محافظه‌کار بودن حسابداری، شناخت اخبار بد به موقع و تأخیر در شناخت سود، برای شرکت‌ها گزارش پایین‌تری از سود و احتمالاً نتیجه مطلوب نظارتی را فراهم می‌آورد. واتس و واتس (۱۹۷۷) و واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند که شرکت‌ها از محافظه‌کاری بهره می‌گیرند تا از نظارت عمومی ناشی از لابی‌گری جلوگیری کنند که اهمیت بررسی نظارت عمومی در فرضیه‌های هزینه سیاسی را برجسته می‌کنند. پژوهش حاضر از دیدگاه سازمانی برای بررسی نقش مراقبت‌های عمومی در مورد لابی‌های شرکتی و حفظ محافظه‌کاری استفاده می‌کند. به طوری که لابی‌های شرکتی احتمالاً باعث ایجاد نظارت عمومی می‌شوند. انتظار می‌رود شرکت‌های که لابی می‌کنند به حفظ محافظه‌کاری تمایل داشته باشند. فرض بر این است که شرکت‌های با شدت لابی قوی، نسبت به شرکت‌های با شدت لابی ضعیف، احتمال بیشتری برای محافظه‌کاری (به عنوان مثال، محافظه‌کاری مشروط) دارند و این رابطه برای شرکت‌هایی که بیشتر قابل مشاهده هستند قوی‌تر است. در توماس (2012, 2015) بیان می‌کند که ماهیت شرکت‌های لابی‌گری برای شرکت‌هایی که از لابی کردن برای ایجاد روابط سیاسی استفاده می‌کنند در حال گسترش است. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که شرکت‌های وابسته به سیاست، محافظه‌کارتر هستند. شرکت‌های وابسته به سیاست، کمترین محافظه‌کاری مشروط را در نظر می‌گیرند، تقلب‌های بیشتری را

انجام می‌دهند و کیفیت تعهدی کمتری را نشان می‌دهند (بل و همکاران، ۲۰۰۳؛ یو، ۲۰۱۱، چانی و همکاران، ۲۰۱۱). از محافظه‌کاری مشروط که توسط خان و واتز (۲۰۰۹) ارائه شده است استفاده شد. مطابق با فرضیه هزینه‌های سیاسی و مطالعات پیشین (جونز ۱۹۹۱) رابطه مثبت معناداری بین محافظه‌کاری مشروط و لابی‌گری شرکت یافت شد. سپس، نقش دید عمومی در رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و لابی‌گری شرکت بررسی شد برای این منظور، با توجه به اندازه شرکت، تعداد تحلیلگران، سن شرکت، تعداد مبادلات خارجی شرکت و سطح پوشش رسانه‌ای شرکتی، دید عمومی اندازه‌گیری شد. فرضیه بر این اساس است که فعالیت‌های لابی‌گری، شرکت‌ها را محافظه‌کار می‌کند و نه برعکس. اگرچه از لحاظ تئوری روشن نیست که چرا محافظه‌کاری حسابداری منجر به مشارکت در لابی‌گری می‌شود، اما از نظر آماری، علت ایجاد رابطه بین لابی‌گری و محافظه‌کاری حسابداری بررسی می‌شود. در آزمون‌های اضافی رابطه بین مشاغل سازمانی و محافظه‌کاری بدون قید و شرط بررسی شد. برای این منظور، از اندازه‌گیری محافظه‌کاری غیرمشروط آندره و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شد. مطالعات اخیر به بررسی پیامدهای اقتصادی لابی سیاسی می‌پردازند. چن و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند بین لابی‌گری شرکت‌ها و عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. برنت و همکاران (۲۰۱۵) بررسی کردند آیا لابی‌گری حسابرسان از جانب مشتریان حسابرسی، کیفیت حسابرسی را مختل می‌کند یا اینکه سرمایه‌گذاران، فعالیت‌های لابی‌گری حسابرسان را برای کیفیت حسابرسی مشتریان خود مضر می‌دانند. این پژوهش به ادبیات در حال رشد فعالیت‌های لابی‌گری با نشان دادن اهمیت توجه به نقش دیدگاه شرکت در فرضیه هزینه‌های سیاسی، می‌افزاید. تحقیقات قبلی بررسی کردند که چگونه ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر شیوه‌های حسابداری و محیط اطلاعات تأثیر می‌گذارد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ گوده‌های و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۱۰؛ رامانا و روچوده‌های، 2010). گوده‌های و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، بیشتر احتمال دارد حسابرسان معتبرتری را انتخاب کنند که نشان می‌دهد شرکت‌های وابسته به سیاست، احتمالاً کیفیت گزارشگری مالی بهتری را دارند. مانی و همکاران (۲۰۱۱) و بال و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که بین روابط سیاسی با کیفیت حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری رابطه منفی معناداری وجود دارد. جن و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، اشتباهات پیش‌بینی شده بیشتر تحلیل‌گران را نشان داده و پیشنهاد می‌دهند که محیط اطلاعاتی شفاف‌تری

می‌دهد شرکت‌های وابسته به سیاست، احتمالاً کیفیت گزارشگری مالی بهتری دارند. برتراند و همکاران (2011) استدلال کردند که لابی‌گری به شرکت‌ها کمک می‌کند روابطشان با قانون‌گذاران را افزایش دهند. اسمیت (2016) دریافت ارقام حسابداری زمانی که شرکت در معرض خطر سلب مالکیت قرار می‌گیرد نقش مهمی را ایفا می‌کند به‌طور خاص، شرکت‌ها پول نقد و اهرم بالاتری را برای محدود کردن اختیارات بالقوه مقامات محلی، گزارش می‌دهند. بر اساس این استدلال، انتظار می‌رود بین لابی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود داشته باشد. منطق دیگر برای وجود ارتباط مثبت معنادار بین لابی شرکت و محافظه‌کاری، ناشی از استدلال عدم تقارن اطلاعاتی است. مطالعات پیشین نشان می‌دهد شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی، بیشتر محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهند، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر، هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد که به‌نوبه خود موجب تقاضای بیشتر برای محافظه‌کاری در حسابداری می‌شود (لفوند و واتز، 2008). خان و واتز (2009) دریافتند که محافظه‌کاری به‌سختی کاهش می‌یابد، زیرا شرکت‌های جوان‌تر گزینه‌های رشد بیشتری دارند که منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. چن و همکاران (2010) نشان دادند که تحلیلگران در پیش‌بینی سود شرکت‌های دارای فعالیت‌های سیاسی، دچار مشکل می‌شوند و شرکت‌هایی که فعالیت سیاسی بیشتری دارند، سطح بالاتری از عدم تقارن اطلاعاتی را دارند. مارتین و همکاران (2016) نشان دادند که شرکت‌ها، محافظه‌کاری مشروط را برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی انتخاب می‌کنند؛ بنابراین، اگر شرکت‌ها با شدت لابی‌گری بیشتری با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط داشته باشند، انتظار می‌رود که رابطه مثبت معناداری بین محافظه‌کاری حسابداری و شدت لابی با توجه به استدلال تقاضای طرف مقابل وجود داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد چشم‌انداز عمومی شرکت به‌عنوان مکانیسم نظارتی عمل می‌کند (دیک و زینگالس، 2004؛ کینگ، 2008). کینگ و سویل (2007) دریافتند که شرکت‌های قابل‌مشاهده‌تر نسبت به شرکت‌های باقابلیت مشاهده کمتر، بیشتر با واکنش منفی قیمت سهام روبرو می‌شوند. واتز (1977) و واتز و زیمرمن (1978) بر اهمیت بررسی عمومی برای فرضیه هزینه‌های سیاسی تأکید کردند. به‌طور خاص، آن‌ها استدلال می‌کنند که شرکت‌ها برای محافظت از نظارت عمومی ناشی از لابی، محافظه‌کاری حسابداری را اتخاذ می‌کنند. شرکت‌های لابی‌گری که بیشتر قابل‌مشاهده هستند احتمال بیشتری برای

برای شرکت‌های سیاسی برقرار است. نهایتاً این پژوهش به مطالعات محافظه‌کاری حسابداری می‌افزاید (لارا و همکاران 2009؛ لی، 2015). مطالعه مارتین و همکاران (2016) نشان می‌دهد که مدیران، محافظه‌کاری را انتخاب می‌کنند تا به خواسته‌های اطلاعاتی بازار سرمایه پاسخ دهند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دیدگاه شرکت‌ها برای لابی‌گری، سطح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهد. درواقع شواهدی از سازوکاری که احتمالاً بر میزان محافظه‌کاری شرکت تأثیر می‌گذارد ارائه می‌شود و اهمیت توجه به نقش نظری را در محافظه‌کاری حسابداری در مطالعات آینده برجسته می‌کند.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که فعالیت‌های لابی‌گری شرکت‌ها باعث می‌شود شرکت‌ها مزایای اقتصادی متنوعی کسب کنند. به‌طور خاص، لابی کردن به شرکت‌ها کمک می‌کند تا قوانین مطلوب را به دست آورند. (دین و همکاران، 2001؛ کال و ژن، 2005؛ فاسکیو، 2002؛ جانسون و میتون، 2003؛ خاجا و ماین، 2005؛ آگروال و کوپر، 2001؛ گلدمن و همکاران، 2013؛ آدھیکاری و همکاران، 2006). مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بین فعالیت‌های لابی‌گری شرکت‌ها و عملکرد مالی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (جن و همکاران، 2015؛ هیل و همکاران، 2013). یکی از ویژگی‌های مشترکی که منافع اقتصادی لابی‌گری را دربرمی‌گیرد این است که شرکت‌ها قادر به تولید و نگهداری اجاره‌های انحصاری هستند. در ادبیات علوم سیاسی، لابی‌گری شرکت فعالیتی جهت منافع شرکت‌های قوی است (بارشر و لوری، 2006). لابی‌های شرکتی می‌تواند برای شرکت‌ها منافی داشته باشد (چن و همکاران، 2015). همچنین می‌تواند خطر اضافی برای سرمایه‌گذاران (آگروال و همکاران، 2012) ایجاد کند و مانع افزایش ارزش سهام شود (کواتس، 2012). به‌طور خاص، لابی‌های شرکتی و هزینه‌های سیاسی به‌احتمال زیاد باعث ایجاد مشکلات سازمانی می‌شود، زیرا این هزینه‌ها می‌تواند منافع سیاسی شخصی مدیران و منافع سهامداران/ شرکت‌ها را مدنظر قرار دهد در نتیجه، هزینه‌های سیاسی شرکت‌ها توجه زیاد رسانه‌ها و شرکت‌های بزرگ را به خود جلب کند (بیچاک و جکسون، 2013). واتز (1977) و واتز و زیمرمن (1978) معتقدند محافظه‌کار بودن حسابداری باعث کاهش نظارت عمومی می‌شود. گودهای و همکاران (2014) نشان دادند بین ارتباطات سیاسی و احتمال انتخاب حسابرسان باکیفیت بالاتر رابطه مثبت معناداری وجود دارد که نشان

اتخاذ محافظه‌کاری حسابداری برای کاهش رعایت مقررات عمومی دارند.

نویسنده و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی بورس گردآوری شد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف‌های پژوهش و با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح‌شده، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱: بین لابی‌گری شرکت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: رابطه بین لابی‌گری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری برای شرکت‌هایی که در دید عمومی هستند، بیشتر است.

۵- متغیرهای پژوهش

محافظه‌کاری حسابداری: برای محاسبه محافظه‌کاری مشروط از مدل خان و واتز (۲۰۰۹) به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$NI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_{i,t} + RET_{i,t}(\gamma_1 + \gamma_2 SIZE_{i,t} + \gamma_3 MB_{i,t} + \gamma_4 LEV_{i,t}) + NEG_{i,t} * RET_{i,t}(\alpha_1 + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 MB_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t}) + (\mu_1 SIZE_{i,t} + \mu_2 MB_{i,t} + \mu_3 LEV_{i,t}) + NEG_{i,t} * (\delta_1 SIZE_{i,t} + \delta_2 MB_{i,t} + \delta_3 LEV_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$NI_{i,t}$: نسبت قبل از اقلام غیرمترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای سال شرکت i در سال t : $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t که برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی جمع کل فروش شرکت استفاده می‌شود، $MB_{i,t}$: ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t : $LEV_{i,t}$: ارم شرکت i در سال t که برابر تقسیم بدهی‌ها به مجموع کل دارایی‌ها است، $NEG_{i,t}$: متغیر مجازی که در صورت منفی بودن بازده عددی و در غیر این صورت بر عدد ۰ است. در این مدل به موقع بودن عدم تقارن شناخت اخبار بد، تابعی از ویژگی‌های خاص شرکت (اندازه، نسبت ارزش شرکت به ارزش دفتری و اهرم) است. در این مدل محافظه‌کاری مشروط با عبارت $CSCORE$ و با استفاده از رابطه ۲ اندازه‌گیری می‌شود:

$$CSCORE = \sigma_1 + \sigma_2 SIZE_{i,t} + \sigma_3 MB_{i,t} + \sigma_4 LEV_{i,t} \quad (2)$$

به منظور محاسبه ضرایب، ابتدا از مدل (۱) به صورت مقطعی مطابق باخان و واتز (۲۰۰۹) برای هر سال برازش شده و پس از استخراج ضرایب مدل در هر سال، معیار محافظه‌کاری در سطح هر شرکت و تابعی از ویژگی‌های خاص شرکت، محاسبه می‌گردد. از آنجاکه مدل فوق‌الذکر به صورت مقطعی برازش می‌گردد، برآوردهای σ_i در میان شرکت‌ها ثابت و در طی زمان متغیر است.

دید (دیدگاه) عمومی: از پنج متغیر زیر برای اندازه‌گیری دید عمومی از روش ارائه‌شده توسط (کونگ و همکاران، ۲۰۱۷) استفاده می‌شود:

اندازه شرکت ($SIZE$): برای محاسبه اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی جمع کل فروش شرکت استفاده می‌شود

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیق‌های کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است دوره زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است. در گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شد. پیاده‌سازی آن با نرم‌افزار SPSS و EViews انجام گرفته است. در پژوهش حاضر، جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. ویژگی‌های نظام‌مند زیر در انتخاب شرکت‌ها به شرح زیر مدنظر قرار گرفت:

الف. شرکت‌های موردنظر جزو بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، واسطه‌گری و شرکت‌های بیمه نباشند (به دلیل تفاوت در ترانزنامه، ماهیت خاص فعالیت و اهرم مالی غیرمعمول).

ب. سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد.

پ. از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفندماه باشد.

ت. طی سال‌های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.

ث. شرکت‌های موردنظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت‌های بورس باشند.

ج. تمامی داده‌های مورد نیاز آن‌ها در طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵ در دسترس باشد.

پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های یادشده، در مجموع ۲۵۶ شرکت (به روش حذف سامانمند) برای نمونه مطالعه انتخاب شد. داده‌های پژوهش به کمک نرم‌افزار ره‌آورد

رسانه) اندازه‌گیری می‌شود (که قبلاً مفصل توضیح داده شده است). بر اساس فرضیه ۱، انتظاری رود ضریب LINT، مثبت و بر اساس فرضیه ۲، ضریب تعاملی $LINT * VISIBILITY$ ، مثبت باشد. علاوه بر این، بر اساس مطالعات قبلی که عدم تقارن اطلاعاتی را به محافظه‌کاری حسابداری مرتبط می‌کند، انتظار می‌رود که منفی باشد. در مدل ۳، عوامل مختلفی با توجه به تحقیقات پیشین با محافظه‌کاری حسابداری مرتبط است کنترل می‌شود که عبارت‌اند از:

Controls = {SALEGR, RADA, INVCYCLE, SDRET, ROA, LITIGATION, PMC, UCC}.

SALEGR: رشد سالانه شرکت که با استفاده از روش احمد و دولمن (۲۰۰۷) به دست می‌آید.

RADA: رشد فرصت‌ها است که با استفاده از رشد سالانه شرکت و هزینه‌های تحقیق و توسعه و تبلیغات آن و با استفاده از کل دارایی‌ها، تعدیل می‌شود (احمد و دولمن، ۲۰۰۷؛ بال و همکاران، ۲۰۱۳).

SDRET: متغیر عدم قطعیت خاص است که به‌عنوان متغیری برای نوسانات سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد و توسط روش لافوند و واتز (۲۰۰۸) اندازه‌گیری می‌شود.

INVCYCLE: طول دوره سرمایه‌گذاری است. هزینه‌های استهلاک به دارایی‌های باقیمانده است که معیاری معکوس از طول دوره سرمایه‌گذاری است و توسط روش لافوند و واتز (۲۰۰۸) اندازه‌گیری می‌شود.

LITIGATION: رسیدگی به دعاوی شرکت است. اگر شرکت در دادگاه در عملکرد مثبتی داشته باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است و توسط روش لافوند و واتز (۲۰۰۸) اندازه‌گیری می‌شود.

PMC: رقابت بازار محصول است. رقابت در بازار بر اساس شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه‌گیری شده است که در تحقیقات دالیوال و همکاران، (۲۰۱۱) مورد استفاده قرار گرفته است.

$$PMC = \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_i}{S}\right)^2$$

که در آن:

S_i = درآمد فروش شرکت i

مجموع درآمد فروش شرکت‌های موجود در صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند = S

n : تعداد شرکت‌های موجود است.

ROA: بازده دارایی‌ها است.

که در این پژوهش از جمع کل فروش به صورت زیر محاسبه خواهد شد:

$$SIZE = \ln(Sale)$$

در این رابطه Sale برابر است با جمع کل فروش شرکت است. تحلیلگران شرکت (ANALYST): اگر شرکت دارای تحلیل‌گر باشد برابر عدد ۱ در غیر این صورت عدد ۰ است. سن شرکت (AGE): عمر شرکت، تعداد سال‌های که شرکت فعالیت داشته است.

سهام خارجی مبادلاتی شرکت (CROSSLIST): اگر شرکت دارای سهام مبادلاتی خارجی باشد برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر عدد ۰ است.

سطح پوشش رسانه‌های شرکت (MEDIA): اگر شرکت اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران را افشا کند برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است.

با استفاده از پنج متغیر عمومی فوق، یک اندازه‌گیری ترکیبی از دیدگاه عمومی ساخته می‌شود، بدین صورت که تمام متغیرها را جمع کرده و نمره کل را پنج برابر می‌کنیم سپس اگر مشاهده یک ساله آنها بیش از میانگین در آن سال باشد، شاخص این متغیر عدد یک و در غیر این صورت، صفر است در نتیجه نمره دید ترکیبی (VISIBILITY) به دست آید (کونگ و همکاران، ۲۰۱۷).

۶- مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها به صورت تجربی، رگرسیون زیر را تخمین می‌زنیم:

$$CSCORE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LINT_{i,t} + VISIBILITY_{i,t} + \beta_1 LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + Controls + year \text{ and Industry fixed Effect} + error \quad (3)$$

که در آن

LINT: شدت لابی‌های سالیانه شرکت است که تحت عنوان کل هزینه سالیانه لابی شرکت (مبالغی که مدیرعامل یا عضو هیئت‌مدیره که وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی، و یا سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی هزینه می‌کند تا لابی‌گری را انجام دهد) محاسبه می‌شود. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد.

VISIBILITY: دیدگاه شرکت با هر پنج اندازه‌گیری دید فردی (اندازه، تحلیلگران، سن، سهام خارجی و سطح پوشش

UCC: محافظه‌کاری غیر مشروط است. مطابق پژوهش ژانگ (۲۰۰۸) نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار یک نماد برای محافظه‌کاری غیرمشروط است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$UCBM = \frac{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}$$

احمد و دولمن (۲۰۰۷) نشان دادند فرصت‌های رشد می‌تواند به صورت مثبت یا منفی با محافظه‌کاری حسابداری مرتبط باشد. بال و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که گزینه‌های رشد به احتمال زیاد می‌تواند تأخیر نامتقارن ناشی از به رسمیت شناختن سود و زیان را کاهش دهد. لافوند و واتز (۲۰۰۸) نشان دادند که فرصت‌های رشد می‌تواند به عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر منجر شود و در نتیجه تقاضای محافظه‌کاری حسابداری را افزایش دهد. خان و واتز (۲۰۰۹) بیان کردند که محافظه‌کاری با عدم قطعیت خاص و طول دوره سرمایه‌گذاری رابطه مثبت معناداری دارد. دالیوال و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که بین رقابت بازار محصول و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. بازده دارایی‌ها ROA، برای کنترل پتانسیل شرکت‌های لابی‌گر قابل مشاهده، دارای عملکرد بهتری است. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که دو نوع محافظه‌کاری حسابداری (مشروط و غیر مشروط) رابطه منفی دارند (بیور و رایان ۲۰۰۵؛ پوپه و والکر ۲۰۰۳). متغیر PC برابر یک است، اگر مدیرعامل یا هر عضو هیئت‌مدیره وابستگی فعلی یا گذشته خود با حزب سیاسی را حفظ کند یا عضو حزب سیاسی بوده باشد. نشانه‌های لابی‌گری شرکت عبارتند از: وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی، و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی. این متغیر با بررسی دقیق یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی مدیرعامل، اعضای هیئت‌مدیره، سهامداران عمده، اشخاص وابسته و اشخاص در تعامل با شرکت‌های نمونه به انحصار گوناگون، صورت پذیرفت. این متغیر در تحقیق جانسون و میتون (۲۰۰۳)، فاسیو (۲۰۰۶)، آنینگ سجاتی (۲۰۰۹) و چنی و همکاران (۲۰۱۲) با اندکی تفاوت از منظر شناخت استفاده شده است. اگر شرکت دارای مدیر یا مالک سیاسی و به‌طور کلی روابط سیاسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در مدل منظور می‌شود. در معادله (۳) از اثرات ثابت سال و صنعت بر اساس طبقه‌بندی صنعت ارائه شده توسط بارت و همکاران (۱۹۹۸) برای کنترل تغییرات احتمالی محافظه‌کاری حسابداری در طول زمان و صنایع

استفاده شد. همان طوری که از داده‌های پنلی استفاده می‌شود، با توجه به خوشه‌بندی هر دو شرکت و سال، اشتباه خطای استاندارد اصلاح می‌شود (گو و همکاران، ۲۰۱۰؛ پترسون، ۲۰۰۹). در برآورد معادله (۳)، تصمیم شرکت برای لابی می‌تواند توسط عوامل غیرقابل بررسی که نتایج را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، انجام شود. به‌طور خاص، اگر عوامل غیرقابل بررسی با محافظه‌کاری حسابداری مرتبط باشند، برآوردهای ضریب، منفی است (لی و پرابهالا، ۲۰۰۷). برای رفع این نگرانی، از مدل تطابق نمره توسعه‌یافته رزنبوم و روبین (۱۹۸۳) استفاده شد. برای برآورد نمرات گرایش شرکت، ابتدا برآورد احتمال مشارکت در فعالیت‌های لابی با استفاده از الگوریتم زیر را به دست می‌آید:

$$LIND_{i,t} = \alpha_1 + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 MB_{i,t} + \alpha_4 LEV + \alpha_5 LITIGATION_{i,t} + \alpha_6 HITECH_{i,t} + \alpha_7 State\ Lobbying\ Disclosure\ Score_{i,t} + \alpha_8 Capital\ City\ Indicator_{i,t} + \alpha_9 year\ and\ Industry\ fixed\ Effect + error \quad (۴)$$

در مدل ۴، LIND متغیری مجازی است در صورتی که شرکت مخارج سرمایه‌های لابی (مبالغی که مدیرعامل یا عضو هیئت‌مدیره که وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی، و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی هزینه می‌کند تا لابی‌گری را انجام دهد) در یک سال را غیر صفر گزارش کند برابر با یک در غیر این صورت برابر صفر است. مطابق مطالعات پیشین، اندازه شرکت، ارزش بازار به ارزش دفتری، اهرم و اثرات ثابت سال به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده فعالیت‌های لابی‌گری شرکت استفاده شدند (جن و همکاران، ۲۰۱۵؛ هیل و همکاران ۲۰۱۳). (HITECH) شاخص صنعت پیشرفته است. علاوه بر این:

State Lobbying Disclosure Score: امتیاز افشای لابی‌های دولتی است که نشان می‌دهد چگونه فعالیت‌های لابی‌گری شرکت کنترل می‌شود.

Capital City Indicator: شاخص سرمایه شهری، متغیر مجازی است که برابر با یک است اگر شرکت در شهر مرکز استان واقع شده باشد و در غیر این صورت صفر است (هیل و همکاران ۲۰۱۳). با استفاده از روش تطابق نمره گرایش، می‌توان فرض کرد که تفاوت‌های ناشی از محافظه‌کاری حسابداری به کنترل لابی می‌انجامد. نتیجه برآورد معادله (۴) نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ، شرکت‌هایی با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری زیاد (MB)، شرکت‌های دارای اهرم

غیرمجاز ارائه می‌دهد. مقادیر میانگین محافظه‌کاری (CSCORE) برای شرکت‌های لابی‌گری و غیر لابی‌گری مشخص هست. پس از تطبیق شرکت‌های لابی با شرکت‌های غیر لابی با ویژگی‌های مشابه، مشخص نمی‌شود که شرکت‌های لابی‌گری به‌طور متوسط محافظه‌کاری حسابداری بالاتری دارند. باین‌حال، در مقایسه با نمره گرایش شرکت‌های غیر لابی‌گری همسان، شرکت‌های لابی با افزایش فروش بیشتر و افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه و فعالیت در صنایع رقابتی بیشتری مواجه هستند. نشان داده‌شده است که تمام این عوامل با محافظه‌کاری حسابداری همراه است؛ بنابراین، قبل از رسیدن نتیجه، مهم است که این عوامل را کنترل کنید. نتایج نشان می‌دهد که در مقایسه با نمونه‌های همسان، شرکت‌های لابی‌گری بیشتر قابل‌مشاهده هستند؛ آن‌ها تعداد بیشتری از تحلیلگران را دنبال می‌کنند. شرکت‌های با سن بزرگ‌تر، فهرست‌های متقابل خارجی و پوشش رسانه‌ای بیشتری دارند. این نشان می‌دهد شرکت‌هایی که فعالیت‌های لابی‌گری دارند، توجه بیشتری را نسبت به شرکت‌هایی که لابی نمی‌کنند، جلب می‌کنند.

کم (LEV) و شرکت‌های با توانایی بالا در رسیدگی به دعوی شرکت (LITIGATION) احتمال بیشتری دارند که در فعالیت‌های لابی‌گری شرکت کنند. با توجه به این‌که اندازه، نسبت بازار به ارزش دفتری و اهرم نیز ابزار مورد‌استفاده برای محاسبه اندازه‌گیری محافظه‌کاری (CSCORE) است.

۷- نتایج پژوهش

۱-۱- نمونه و آمار توصیفی

نمره نهایی لابی و گرایش به نمونه‌های غیر لابی با همه متغیرهای موجود برای برآورد معادله (۳) شامل ۲۵۶ مشاهده طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ هست میانگین مصارف لابی‌گری نشان می‌دهد که در میان شرکت‌هایی که در فعالیت‌های لابی فعالیت می‌کنند، تعداد هزینه‌های لابی‌گری که بسیار زیاد باشد، کم است. پانل B، توزیع نمونه را از طریق صنعت گزارش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های لابی گر در تمام صنایع توزیع می‌شوند و فعالیت‌های لابی‌گری در صنایع با کنترل بیشتر، از جمله صنایع شیمیایی و تولیدی گسترده‌تر است. این نشان‌دهنده اهمیت کنترل اثرات صنعت است. جدول ۲ آمار توصیفی را برای لابی و امتیاز تساوی شرکت‌های

جدول ۲- آمار توصیفی (نمره تساوی نمونه‌های متناظر)

تفاوت	شرکت‌های بدون لابی		شرکت‌های دارای لابی				
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
0.981	0.193	0.317	0.207	0.321	0.201	0.319	CSCORE
5.915	0.466	0.083	0.459	0.138	0.463	0.111	SALEGR
9.835	0.061	0.030	0.090	0.045	0.077	0.037	RADA
4.109	0.027	0.015	0.026	0.017	0.027	0.016	INVCYCLE
0.751	0.031	0.032	0.026	0.033	0.028	0.032	SDRET
0.265	0.070	0.039	0.114	0.039	0.095	0.039	ROA
-1.845	0.432	0.246	0.422	0.230	0.427	0.238	LITIGATION
8.405	0.085	-0.091	0.071	-0.06	0.078	-0.083	PMC
2.127	5.757	1.537	4.566	1.313	5.196	1.425	UCC
4.094	0.022	0.002	0.071	0.007	0.052	0.004	PC
0.016	1.869	8.493	1.906	8.507	1.887	8.501	SIZE
14.836	12.465	11.063	12.195	14.784	12.468	12.922	ANALYST
8.024	45.468	55.731	45.402	63.301	45.601	59.504	AGE
11.457	1.216	0.469	1.630	0.802	1.449	0.634	CROSSLIST
4.147	119.731	76.077	119.218	86.154	120.001	81.114	MEDIA
13.223	0.273	0.413	0.255	0.483	0.267	0.445	VISIBILITY
		4.836		4.836		9.674	No of Obs.

جدول ۳ همبستگی متغیرهای مورد استفاده در برآورد معادله (۳) را نشان می‌دهد. همبستگی مثبت و معنی‌دار بین (LINT) و (CSCORE) نشان می‌دهد که شرکت‌های با شدت لابی زیاد، محافظه‌کاری حسابداری بیشتری را نشان می‌دهند. علاوه بر این، مطابق با یافته‌های تحقیق (لافوند و واتز، ۲۰۰۸) بین محافظه‌کاری حسابداری با دیدگاه و اجزای آن (به‌استثنای سابقه شرکت که می‌تواند به دلیل ظهور شرکت‌های فناوری پیشرفته باشد) رابطه منفی معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳- همبستگی متغیرها

	CSCOR	LINT	SALEGR	RADA	INVCY	SDRET	ROA	LITIGA	PMC	UCC	PC	SIZE	ANALYST	AGE	CROSS	MEDIA	VISIBI
CSCOR		*			*	*			*	*	*			*			
LINT	*		*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*
SALEGR	*	*		*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	*	*
RADA		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
INVCY	*	*	*			*			*	*	*	*	*	*	*	*	*
SDRET	*	*	*	*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ROA				*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
LITIGATION		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
PMC		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
UCC			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
PC	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
SIZE	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ANALY			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
AGE	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
CROSS	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
MEDIA			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
VISIBI		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

قابل ملاحظه، میزان محافظه‌کاری حسابداری بیشتری را نشان می‌دهند که فرضیه ۲ را تأیید می‌کند. مدل‌های ۱-۵ در پانل B از جدول ۴ نتایج برآورد معادله (۳) را به صورت جداگانه برای پنج متغیر دیدگاه ارائه می‌دهند. نتایج به‌طور کیفی شبیه به آنچه قبلاً برای هر یک از پنج متغیر دیدگاه شناخته‌شده بود، مشابه است. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که بین لابی‌های شرکتی با محافظه‌کاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد و برای شرکت‌های قابل‌توجه‌تر (دارای دیدگاه عمومی بیشتر) نیز رابطه معنادار است.

جدول ۴ نتایج برآورد معادله (۳) را ارائه می‌دهد. به‌عنوان یک معیار، مدل ۱ در پانل A از جدول ۴ نتایج حاصل از برآورد معادله (۳) را بدون اندازه‌گیری دیدگاه شرکت و تعامل آن با LINT گزارش می‌دهد. در مدل ۱ برآورد ضریب LINT نشان می‌دهد شرکت‌هایی که به‌شدت لابی می‌کنند، سطح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری دارند؛ این یافته فرضیه ۱ را تأیید می‌کند. در مدل ۲ برآورد ضریب LINT نشان می‌دهد شرکت‌هایی که لابی می‌کنند ارتباط مثبتی با محافظه‌کاری حسابداری دارند؛ باین‌حال، ارتباط از نظر آماری قابل‌توجه نیست. ضریب تعاملی (INT*VISIBILITY) نشان می‌دهد که در مقایسه با شرکت‌های لابی‌گر با نمره‌های دید کم (دیدگاه عمومی کم) یعنی VISIBILITY=0، شرکت‌های با نمرات بالا

جدول ۴- لابی، دیدگاه و محافظه‌کاری (CSCORE)

پانل A اندازه‌گیری دید (دیدگاه) ترکیبی

مدل (۲)		مدل (۱)		متغیرها
VISIBILITY		NA		VISIBILITY
32.15%		22.74%		R2 تعدیل شده
دارد		دارد		اثر ثابت سال
دارد		دارد		اثر ثابت صنعت
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
۸,۳۱	۰,۱۹۶	۴,۸۶	۰,۱۵۸	Intercept
۶,۸۹	۰,۰۲۴	۴,۸۱	۰,۰۲۱	SALEGR
-5.91	-0.132	-4.91	-0.158	RADA
6.03	0.411	4.02	0.411	INVCYCLE
19.10	1.211	15.02	1.095	SDRET
-9.024	-0.120	-6.08	-0.068	ROA
-8.32	-0.051	-6.32	-0.056	LITIGATION
-1.011	-0.092	-1.00	-0.108	PMC
-17.21	-0.006	-11.03	-0.006	UCC
4.25	0.115	6.02	0.217	PC
				SIZE
				ANALYST
				AGE
				CROSSLIST
				MEDIA
-3.74	-0.027			VISIBILITY
1.21	0.029	11.02	0.192	LINT
6.01	0.294			VISIBILITY*LINT

پانل B اندازه‌گیری دید فردی

مدل (۵)		مدل (۴)		مدل (۳)		مدل (۲)		مدل (۱)		متغیرها
MEDIA		CROSSLIST		AGE		ANALYST		SIZE		VISIBILITY
23.30%		23.47%		23.28%		27.02%		23.31%		R2 تعدیل شده
دارد		دارد		دارد		دارد		دارد		اثر ثابت سال
دارد		دارد		دارد		دارد		دارد		اثر ثابت صنعت
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
5.37	0.182	۴,۴۵	۰,۱۴۸	۴,۷۱	۰,۱۶۲	۵,۳۱	۰,۱۶۹	۲,۶۸	۰,۰۹۶	Intercept
5.12	0.023	5.12	0.023	4.58	0.023	4.98	0.023	5.24	0.023	SALEGR
4.70	0.146	4.71	0.146	5.32	0.168	6.20	0.198	2.91	0.091	RADA
3.81	0.381	3.621	0.347	3.25	0.368	3.25	0.411	3.51	0.356	INVCYCLE
15.94	1.06	16.32	1.41	15.94	1.320	16.35	1.00	15.25	1.211	SDRET
6.40	0.46	6.31	0.49	6.84	0.32	6.80	0.210	6.35	0.091	ROA
6.74	0.058	5.91	0.06	6.80	0.055	5.80	0.056	6.38	0.056	LITIGATION
1.06	-0.19	0.86	-0.071	1.22	-0.123	0.99	-0.105	0.98	-0.085	PMC
11.02	0.006	12.03	0.006	11.34	0.006	9.45	0.004	11.98	0.006	UCC
5.84	0.302	5.61	0.199	5.27	0.199	6.32	0.311	5.41	0.199	PC
								5.68	0.009	SIZE
						2.37	0.002			ANALYST
				2.74	0.001					AGE
		4.25	0.007							CROSSLIST
										MEDIA
5.98	0.004									LINT
7.24	0.146	9.28	0.174	5.94	0.165	3.81	0.123			LINT * SIZE
								3.68	0.026	LINT * ANALYST
						2.01	0.006			LINT * AGE
				2.01	0.001					LINT * CROSSLIST
		4.21	0.059							LINT * MEDIA
5.23	0.002									

۲-۷- تست‌های علیت

$$\log\left(\frac{LINT_{i,t}}{LINT_{i,t-1}}\right) = \alpha_1 + \alpha_2 \log\left(\frac{CSCORE_{i,t-1}}{CSCORE_{i,t-2}}\right) + \alpha_3 \log\left(\frac{CSCORE_{i,t-2}}{CSCORE_{i,t-3}}\right) \quad (6b)$$

در برآورد معادله (6a)، از متغیرهای کنترلی در معادله (۳) و در برآورد معادله (6b)، از معادله (۴) استفاده شد. برآورد معادله (6a) نمره دید را شامل نمی‌شود زیرا مکانیسمی است که از طریق آن لابی کردن بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر می‌گذارد. نتایج پنل B جدول ۵ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که وقتی متغیر وابسته تغییر در CSCORE باشد، ضرایب تخمینی تغییر در LINT برای سال قبل و دو سال پیش مشخص هستند. به‌طور مشابه، زمانی که متغیر وابسته، تغییر در LINT است، ضرایب برآورد شده تغییر در CSCORE برای سال قبل و دو سال پیش ۰ است؛ بنابراین این فرضیه که لابی شرکتی باعث محافظه‌کار بودن حسابداری می‌شود، تأیید می‌شود. به‌طور کلی، نتایج آزمون علیت، نشان می‌دهد که فعالیت‌های لابی‌گری شرکت‌ها منجر به سطوح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری می‌شود.

۳-۷- طراحی پژوهش‌های جایگزین: مدل محافظه‌کاری باسو (۱۹۹۷)

برای اطمینان از استحکام یافته‌های پژوهش از مدل باسو (۱۹۹۷) که مبنای اندازه‌گیری محافظه‌کاری (CSCORE) است نیز استفاده می‌شود تا رابطه بین شدت لابی شرکت و محافظه‌کاری مشروط بررسی شود. به‌طور خاص، مدل باسو (۱۹۹۷) را به‌وسیله لافوند و روچود هاری (۲۰۰۸) و لافوند و واتز (۲۰۰۸) با استفاده از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$NI_{i,t} = \beta_1 + \beta_2 NEG_{i,t} + \beta_3 RET_{i,t} + \beta_4 LINT_{i,t} + \beta_5 VISIBILITY_{i,t} + \beta_6 LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_7 NEG_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_8 NEG_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_9 NEG_{i,t} * LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{10} RET_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_{11} RET_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{12} RET_{i,t} * LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{13} NEG_{i,t} * RET_{i,t} + \beta_{14} NEG_{i,t} * RET_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_{15} NEG_{i,t} * RET_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{16} NEG_{i,t} * RET_{i,t} * LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{17} X_{i,t} + \beta_{18} NEG_{i,t} * X_{i,t} + \beta_{19} RET_{i,t} * X_{i,t} + \beta_{20} NEG_{i,t} * RET_{i,t} * X_{i,t} + Firm, year and Industry fixed Effect + error$$

متغیرهای کنترلی عبارتند از: X={SIZE,MB,LEV,UCC and PC}، نتایج حاصل از مدل برآورد شده در جدول ۶ گزارش شده است. مدل ۱ در جدول ۶ ارزیابی میزان محافظه‌کاری را برای شرکت‌های دارای لابی ارائه می‌دهد. به‌طور خاص، ضریب مدت زمان تعامل سه‌طرفه NEG × RET

فرضیه پژوهش این است که لابی‌گری شرکت بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر می‌گذارد و نه برعکس. در این بخش، روابط علی بررسی می‌شود، علی‌رغم اینکه هیچ دلیل تئوری برای توضیح اینکه چرا شرکت‌هایی که در گزارش‌گری محافظه‌کار هستند باید فعالیت‌های لابی‌گری بیشتری داشته باشند، وجود ندارد. برای این منظور از دو روش استفاده می‌کنیم ابتدا، به پیروی از روش استفاده‌شده توسط لنوکس و پارک (۲۰۰۶)، معادله (۴) را با دو متغیر اضافه، یعنی CSCORE_{t-1} و CSCORE_{t+1} ارائه داده و رگرسیون زیر را برآورد می‌شود:

$$LIND_{i,t} \text{ or } LIND_{i,t} = \alpha_1 + \alpha_2 CSCORE_{i,t+1} + \alpha_3 CSCORE_{i,t} + Controls + \alpha_7 year \text{ and Industry fixed Effect} + error$$

LIND (LINT) شاخص لابی (شدت لابی شرکت i در سال t) است و همه متغیرهای کنترلی دیگر همانند معادله (۴) هستند. اگر محافظه‌کاری حسابداری دوره بعد CSCORE_{t+1} رابطه مثبتی با LIND (LINT) داشته باشد اما محافظه‌کاری حسابداری قبلی CSCORE_{t-1} رابطه مثبتی نداشته باشد، نشان‌دهنده محافظه‌کاری شرکت‌های لابی‌گر از لحاظ آماری است. سه سال (t-1 و t+1) برای برآورد محافظه‌کاری معادله (۵) موردنیاز است. نتایج به‌دست‌آمده در پنل A جدول ۵ گزارش شده است. به‌طور خاص، ارتباط مثبتی بین لابی‌گری در سال t و محافظه‌کاری در سال t+1 وجود دارد؛ با توجه به ضرایب برآورد شده برای CSCORE_{t+1}، رابطه منفی معناداری بین لابی‌گری در سال t و محافظه‌کاری در سال t-1 یافت شد. ضرایب برآورد شده برای CSCORE_{t-1}، این فرضیه که لابی شرکتی باعث محافظه‌کار بودن می‌شود، را تأیید می‌کند. روش دیگر بررسی تجربی علیت استفاده از آزمون علیت گرنجر (۱۹۶۹) است. ایده اصلی این است که اگر فعالیت‌های لابی‌گری دلیل مشاهده محافظه‌کاری بالاتری باشد، می‌توان انتظار داشت شدت لابی در سال‌های قبل به‌پیش‌بینی آماری معنی‌داری از محافظه‌کاری حسابداری بیانجامد؛ باین‌حال، محافظه‌کاری در سال‌های قبل نمی‌تواند پیش‌بینی معناداری از شدت لابی باشد. معادلات زیر برآورد می‌کند (لو و همکاران ۲۰۱۰) آیا بین رشد فعلی در شدت لابی‌گری با محافظه‌کاری حسابداری در سال‌های قبل و بالعکس رابطه معناداری وجود دارد.

$$\log\left(\frac{CSCORE_{i,t}}{CSCORE_{i,t-1}}\right) = \alpha_1 + \alpha_2 \log\left(\frac{LINT_{i,t-1}}{LINT_{i,t-2}}\right) + \alpha_3 \log\left(\frac{LINT_{i,t-2}}{LINT_{i,t-3}}\right) \quad (6a)$$

$$LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{13}DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} + \beta_{14}DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_{15}DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{16}DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{17}X_{i,t} + \beta_{18}DCFO_{i,t} * X_{i,t} + \beta_{19}CFO_{i,t} * X_{i,t} + \beta_{20}DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * X_{i,t} + year \text{ and Industry fixed Effect} + error$$

X={SIZE,MB,LEV,UCC and PC} به‌عنوان

سود قبل از اقلام غیرمترقبه، اقلام تعهدی (ACC) که توسط دارایی‌های کل مقیاس می‌شود، اندازه‌گیری می‌شود.

DCFO: متغیر مجازی است در صورتی که CFO منفی

باشد برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است. ضریب مثبت β_{14} ، فرضیه ۱ را تأیید می‌کند و ضریب مثبت β_{16} فرضیه ۲ را تأیید می‌کند. جدول ۷ نتایج تخمین معادله (۸) را ارائه می‌دهد. مدل ۱ در جدول ۶ نشان می‌دهد زمانی که دید(دیدگاه) در مدل گنجانده نشده است، شرکت‌های شدت لابی قوی دارای سطح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری بر اساس مدل تعهدی هستند؛ ضریب برآورد $DCFO \times CFO \times LINT$ شخص است. مدل ۲ در جدول ۶ برآورد ضریب $DCFO \times CFO \times LINT$ و برآورد ضریب اساس تعامل از $DCFO \times CFO \times LINT \times VISIBILITY$ را مشخص می‌کند. یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که شرکت‌های لابی‌گری با سطوح بالاتری از دیدید (دگاه) عمومی، محافظه‌کاری بیشتری دارند. این یافته‌ها فرضیه‌های ۱ و ۲ را تأیید می‌کند.

LINT × نشان می‌دهد که مدیران اخبار بد را نسبت به سود در ماهیت بهتری از اخبار خوب می‌گیرند، زمانی که شرکت‌ها در فعالیت‌های لابی‌گری مشغول فعالیت هستند. مدل ۲ در جدول ۶ نتایج را پس از متغیر دید عمومی ارائه می‌دهد و مدت‌زمان تعامل آن از شدت لابی، گنجانده شده است. تخمین ضریب $NEG \times RET \times LINT \times VISIBILITY$ هنگامی که سطح دید شرکت بالا است به‌طور معناداری شرکت‌های لابی‌گر می‌توانند اخبار بد را در سود به‌صورت یک دوره زمانی از خبر خوب به دست آورند. در نهایت مدل ۳ در جدول ۶، اندازه شرکت را از اندازه‌گیری ترکیبی از دیدگاه شرکت حذف می‌کند و با توجه به اینکه اندازه شرکت یک متغیر کنترلی در همان مدل است، یک معیار دیدگاهی را ارائه می‌دهد. واضح است که نتایج کمی نسبت به مدل ۲ در جدول ۵ مشابه است؛ بنابراین نتایج حاصل فرضیه‌های ۱ و ۲ را تأیید می‌کند.

۴-۷- طراحی پژوهش‌های جایگزین

از مدل محافظه‌کاری مبتنی بر اقلام تعهدی بال و شیواکومار (۲۰۰۵) به‌صورت زیر استفاده شد:

$$ACC_{i,t} = \beta_1 + \beta_2DCFO_{i,t} + \beta_3CFO_{i,t} + \beta_4LINT_{i,t} + \beta_5VISIBILITY_{i,t} + \beta_6LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_7DCFO_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_8DCFO_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_9DCFO_{i,t} * LINT_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{10}CFO_{i,t} * LINT_{i,t} + \beta_{11}CFO_{i,t} * VISIBILITY_{i,t} + \beta_{12}CFO_{i,t} *$$

جدول ۵- آزمون علیت بین لابی‌گری و محافظه‌کاری حسابداری

پانل A: آزمون علیت بر اساس مدل لنوکس و پارت (۲۰۰۶)

LINT		LIND		متغیر وابسته
OLS		Logistic		مدل
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
2.45	0.005	1.92	0.335	CSCORE t+1
0.52	0.003	-1.82	-0.345	CSCORE t-1
	دارد		دارد	Controls

پانل B: آزمون علیت بر اساس مدل گرنجر (۲۰۰۶)

log (LINTt/LINTt-1)		log (CSCOREt/CSCOREt-1)		متغیر وابسته
OLS		OLS		مدل
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
-3.014	-0.052	۵,۳۸	۰,۳۱	log (LINT t-1/LINT t-2)
-4.61	-0.007	-0.91	-0.005	log (LINT t-2/LINT t-3)
1.47	0.92	-9.64	-0.182	log(CSCOREt-1/CSCORE t-2)
-3.94	-0.221	-11.87	-0.202	log (CSCORE t-2/CSCORE t-3)
	دارد		دارد	Controls

جدول ۶- لابی، دید و شناخت به موقع از زیان‌ها (مدل باسو (۱۹۹۷))

مدل (۳)		مدل (۲)		مدل (۱)		
دیدگاه غیر از اندازه شرکت		دیدگاه				VISIBILITY
23.58%		24.10%		24.12%		Adj. R-square
دارد		دارد		دارد		Year Fixed Effect
دارد		دارد		دارد		Industry Fixed Effect
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
4.91	-0.024	5.06	0.284	4.68	0.325	Intercept
-4.95	-0.062	-4.17	-0.018	-4.10	-0.025	SIZE
-10.25	-0.034	-11.32	-0.061	-10.32	-0.124	MB
-10.32	0.064	-12.369.89	-0.034	-12.24	-0.026	LEV
9.37	0.054	9.6	-0.035	9.65	0.049	UCC
-0.13	-0.014	-0.15	-0.024	-0.15	-0.015	PC
-3.54	-0.151	-4.18	-0.203	-4.08	-0.010	LINT
0.65	0.009	-1.57				VISIBILITY
1.52	0.214	2.84				LINT× VISIBILITY
0.09	0.005	-0.17	-0.008	-0.42	-0.016	NEG
0.74	0.005	1.06	0.008	0.75	0.004	NEG× SIZE
0.37	0.003	0.35	0.002	0.51	0.003	NEG× MB
-0.42	-0.004	-0.51	-0.003	-0.39	-0.003	NEG× LEV
-0.45	-0.004	-0.32	-0.002	-0.57	-0.004	NEG× UCC
-0.10	-0.003	-0.48	-0.012	-0.11	-0.014	NEG× PC
0.06	0.004	0.74	0.064	1.84	0.095	NEG× LINT
-1.75	-0.041	-1.84	-0.054			NEG× VISIBILITY
1.75	0.421	0.94	0.183			NEG×LINT×VISIBILITY
2.71	0.002	2.71	0.002	4.12	0.002	RET
-1.35	-0.002	-1.42	-0.002	-3.12	-0.002	RET× SIZE
-2.61	-0.002	-2.81	-0.002	-3.57	-0.002	RET× MB
-3.59	-0.002	-3.25	-0.002	-2.81	-0.002	RET× LEV
2.71	0.003	2.36	0.002	3.01	0.002	RET× UCC
0.52	0.099	0.51	0.108	0.61	0.115	RET× PC
-1.25	-0.002	-0.058	-0.005	2.34	0.003	RET× LINT
-1.79	-0.002	-1.34	-0.002			RET× VISIBILITY
2.82	0.004	2.00	0.003			RET× LINT × VISIBILITY
5.48	0.477	5.21	0.441	4.52	0.375	NEG× RET
-2.28	-0.021	-1.32	-0.014	-2.67	-0.031	NEG× RET× SIZE
1.32	0.009	1.18	0.010	1.41	0.010	NEG× RET× MB
11.57	0.091	11.35	0.097	11.68	0.092	NEG× RET× LEV
-1.56	-0.014	-1.52	-0.013	-1.65	-0.012	NEG× RET× UCC
0.37	0.093	0.32	0.084	0.31	0.093	NEG× RET× PC
-2.31	-0.411	-2.51	-0.487	1.85	0.211	NEG× RET× LINT
-4.74	-0.281	-4.58	-0.338			NEG× RET× VISIBILITY
4.51	1.921	4.81	2.147			NEG× RET× LINT× VISIBILITY

جدول ۷- لابی، دید و رابطه بین جریان نقدی و اقلام تعهدی (مدل بالو و شیواکومار (۲۰۰۵))

مدل (۳)		مدل (۲)		مدل (۱)		
دیدگاه غیر از اندازه شرکت		دیدگاه				VISIBILITY
8.32%		8.35%		8.21%		Adj. R-square
دارد		دارد		دارد		Year Fixed Effect
دارد		دارد		دارد		Industry Fixed Effect
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
-3.658	-9.210	-3.65	-8.02	-3.20	-8.25	Intercept
1.85	0.325	1.35	0.332	1.74	0.325	SIZE
1.23	0.311	0.98	0.302	1.36	0.411	MB
3.41	0.371	2.65	0.458	1.65	0.594	LEV
-1.27	-0.0302	-0.94	-0.321	-1.247	-0.465	UCC
-0.58	-3.001	-0.51	-2.841	-0.32	-2.311	PC
2.65	7.415	3.28	6.417	2.33	3.955	LINT
1.98	1.527	0.321	1.387			VISIBILITY
-0.62	-4.248	-1.258	-4.587			LINT× VISIBILITY
4.58	11.058	2.360	9.258	1.42	3.581	DCFO
-3.841	-0.774	-1.654	-0.647	-1.24	-0.365	DCFO× SIZE
-2.651	-0.547	-1.402	-0.638	-0.84	-0.341	DCFO× MB
2.36	0.526	1.025	0.687	1.81	0.2874	DCFO× LEV
1.79	0.362	1.360	0.481	0.324	0.174	DCFO× UCC
-0.038	-2.789	-2.547	-2.951	-1.390	-1.624	DCFO× PC
-3.02	-21.369	-4.651	-24.710	-1.72	-8.951	DCFO× LINT
-2.99	-7.258	-3.841	-8.625			DCFO× VISIBILITY
2.65	30.801	3.258	42.320			DCFO×LINT×VISIBILITY
0.94	0.077	0.054	0.009	0.81	0.068	CFO
-0.97	-0.009	-1.325	-0.015	-0.18	-0.002	CFO× SIZE
-0.54	-0.005	-0.984	-0.004	-0.42	-0.004	CFO× MB
-6.92	-0.234	-0.478	-0.241	-6.25	-0.184	CFO× LEV
0.61	0.006	0.085	0.005	0.15	0.002	CFO× UCC
-0.08	-0.035	-1.810	-0.025	0.04	0.009	CFO× PC
-0.51	-0.096	-0.654	-0.209	-2.87	-0.421	CFO× LINT
1.25	0.075	1.528	0.098			CFO× VISIBILITY
-2.36	-0.998	-1.601	-0.925			CFO× LINT × VISIBILITY
6.38	0.963	1.874	0.874	2.98	0.451	DCFO×CFO
-8.57	-0.314	-2.370	-1.54	-4.98	-0.97	DCFO×CFO× SIZE
-3.59	-0.045	-1.362	-0.0325	-1.68	-0.320	DCFO×CFO× MB
13.02	0.417	0.365	0.365	11.02	0.365	DCFO×CFO× LEV
3.29	0.047	0.845	0.041	1.68	0.034	DCFO×CFO× UCC
-0.87	-1.654	-2.368	-1.358	-0.67	-1.524	DCFO×CFO× PC
-0.94	-0.527	-1.367	-0.521	1.84	0.361	DCFO×CFO× LINT
0.47	0.074	-0.005	-0.010			DCFO×CFO× VISIBILITY
1.96	1.628	2.910	1.921			DCFO×CFO× LINT× VISIBILITY

۷-۵- اندازه‌گیری لابی شرکت و حسابداری غیر مشروط

دران پژوهش رابطه احتمالی بین میزان شدت لابی شرکت، دید (دیدگاه) و محافظه‌کاری حسابداری غیر مشروط اندازه‌گیری می‌شود. برای این منظور، از اندازه‌گیری محافظه‌کارانه غیر مشروط (UCC) که توسط آندره و همکاران (2015) ارائه شده است، باقیمانده حاصل از مدل زیر محاسبه می‌شود:

$$MB_{i,t} = \beta_1 + \beta_2 RET_{i,t} + \beta_3 INTAN_{i,t} + \beta_4 PPEN_{i,t} + \beta_5 CAPEX_{i,t} + \beta_6 \Delta SALES_{i,t} + \beta_7 ROE_{i,t} + \beta_8 VOLAT_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} SIZE_{i,t} + error$$

MB نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، RET بازده‌های سهام سالانه، INTAN دارایی‌های نامشهود، PPEN ارزش

خالص دارایی و تجهیزات کارخانه، CAPEX هزینه سرمایه، $\Delta SALES$ درصد تغییر سالیانه در کل فروش، ROE بازده سهام، VOLAT نوسانات قیمت سهام، LEV نسبت اهرم و SIZE لگاریتم طبیعی اندازه شرکت است.

جدول ۸ نتایج جایگزین کردن CSCORE را در معادله (۳) با UCC نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد بین LINT با محافظه‌کاری غیر مشروط رابطه مثبت معناداری وجود ندارد. به‌طور خلاصه، نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های دارای لابی بالاتر، سطوح بالاتری از محافظه‌کاری مشروط را نشان می‌دهند، به‌ویژه هنگامی که آن‌ها قابل مشاهده (در دید عمومی) هستند.

جدول ۸- لابی‌گری، دید و محافظه‌کاری حسابداری غیر مشروط (UCC)

مدل (۳)		مدل (۲)		مدل (۱)		
دیدگاه غیر از اندازه شرکت		دیدگاه				VISIBILITY
9.84%		10.32%		9.32%		Adj. R-square
دارد		دارد		دارد		Year Fixed Effect
دارد		دارد		دارد		Industry Fixed Effect
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
2.65	2.874	1.98	1.892	3.25	۲,۹۶۵	Intercept
1.25	0.325	1.35	0.154	1.025	۰,۱۲۸	SALEGR
11.35	10.320	11.80	10350	11.36	۱۰,۳۲۵	RADA
1.54	3.896	1.65	4.250	1.65	۴,۰۲۱	INVCYCLE
0.32	0.519	0.84	1.981	-0.410	-0.911	SDRET
3.65	1.258	3.65	1.205	3.95	1.540	ROA
-1.11	-0.361	-1.08	-0.361	-1.325	-0.368	LITIGATION
2.36	6.69	2.54	7.411	3.02	7.014	PMC
2.21	2.456	2.03	2.360	3.65	2.335	PC
-4.62	-3.874	-4.65	-3.750	-8.02	-3.521	LINT
3.87	0.984	6.91	1.854			VISIBILITY
0.91	1.528	1.11	2.068			LINT × VISIBILITY

مطابق با فرضیه‌ها مشخص شد که رابطه مثبت معناداری بین لابی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری برای شرکت‌های لابی‌گری که دارای دید بیشتری هستند وجود دارد. نتایج حاصل با نتایج باسو (1997) و بال و شیواکومار (2005) مطابقت دارد. فرضیه‌ها بر پایه دیدگاه شرکت هست که علت کمک کردن لابی به محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهد. همچنین بررسی شد که آیا لابی‌گری باعث محافظه‌کار بودن حسابداری می‌شود یا بالعکس. نتایج نشان می‌دهد که تغییر در شدت لابی، تغییرات آتی محافظه‌کاری را پیش‌بینی می‌کند

۸- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش، نقش دیدگاه شرکت در شکل‌گیری رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و فعالیت‌های لابی‌گری در مورد بررسی قرار گرفت. فرض شد که شرکت‌های لابی‌گری با قابلیت ملاحظه بالا (دارای دیدگاه عمومی) نسبت به شرکت‌های لابی‌گری با قابلیت مشاهده کمتر، محافظه‌کاری حسابداری بیشتری دارند. دیدگاه شرکت با استفاده از اندازه شرکت، تعداد تحلیلگران سن شرکت، تعداد مبادلات سهام خارجی و میزان پوشش رسانه‌ها ای شرکت اندازه‌گیری شد.

نظارتی / عدم اطمینان قرار گیرد، هزینه‌های لابی آن نیز افزایش می‌یابد.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی بدین صورت ارائه می‌گردد که: تحقیقات آینده می‌تواند نقش مراقبت‌های عمومی را در تعدیل رابطه بین فعالیت‌های سیاسی شرکت‌ها و محافظه‌کاری حسابداری در محیط‌های مختلف کشور بررسی کند.

فهرست منابع

- * Adhikari, A., Derashid, C., Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25: 574-595.
- * Aggarwal, R. K., Meschke, F., Wang, T. Y. (2012). Corporate political donations: Investment or agency? *Business and Politics*, 14(1): 1-10.
- * Agrawal, A., Knoeber, C. R. (2001). Do some outside directors play a political role? *Journal of Law and Economics*, 44: 179-198.
- * Ahmed, A., Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Economics*, 43(2-3): 411-437.
- * Anderson, T. W., Hsiao, C. (1982). Formulation and estimation of dynamic models using panel data. *Journal of Econometrics*, 18: 47-82.
- * André, P., Filip, A. Paugam, L. (2015). The effect of mandatory IFRS adoption on conditional conservatism in Europe. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42: 482-514.
- * Ball, R., Kothari, S. P., Nikolaev, V. (2013). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88(3): 755-787.
- * Ball, R., Robin, A., Wu, J. S. (2003). Incentives versus standards: Properties of accounting income in four East Asian countries. *Journal of Accounting and Economics*, 36: 235-270.
- * Ball, R., Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39: 83-128.
- * Bartel, A. P., Thomas, L. G. (1987). Predation through regulation: The wage and profit effects of the occupational safety and health administration and the environmental protection agency. *Journal of Law and Economics*, 20: 239-264.
- * Barth, M. E., Beaver, W. H., Landsman, W. R. (1998). Relative valuation roles of equity book value and net income as a function of financial health. *Journal of Accounting and Economics*, 25: 1-34.
- * Bar-Yosef, S., Callen, J. L., Livnat, J. (1987). Autoregressive modeling of earnings investment causality. *Journal of Finance*, 42: 11-28.
- * Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24: 3-37.
- * Baysinger, B. D. (1984). Domain maintenance as an objective of business political activity: An expanded typology. *Academy of Management Review*, 9(2): 248-258.

و نه برعکس. همچنین نتایج نشان می‌دهد که لابی‌های شرکتی باعث محافظه‌کاری حسابداری بر اساس آزمون علیت گرنجر (۱۹۶۹) می‌شود. نتایج نشان داد که شدت لابی، رابطه منفی معناداری با محافظه‌کاری غیر مشروط حسابداری دارد؛ بنابراین شرکت‌هایی که دارای شدت لابی‌گری هستند احتمال کمتری دارند که ارزش حسابداری را به صورت ثابت حفظ کنند. این یافته با این استدلال مطابقت دارد که محافظه‌کاری غیر مشروط، یک فرم حسابداری است که توسط شرکت‌ها برای اجرای محافظه‌کاری مشروط استفاده می‌شود (بیور و رایان، ۲۰۰۵). علاوه بر این، نتایج متضاد لابی‌گری شرکتی و محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط با ارتباط منفی بین محافظه‌کاری حسابداری مشروط و غیر مشروط منطبق است (آندره و همکاران ۲۰۱۵). یافته‌های پژوهش در مورد رابطه مثبت بین لابی‌گری و محافظه‌کاری مطابق با گیدامی و همکاران (۲۰۱۴) است. نتایج نشان می‌دهد که تقریباً تمام ابزارهای فعالیت لابی‌گری در معادله (۴) به طور معناداری با تمایل شرکت برای لابی ارتباط دارد. به طور خاص، نتایج این ابزارها نشان می‌دهد فعالیت‌های لابی‌گری برای شرکت‌های واقع در استان‌ها به عنوان لابی‌های دولتی ثبت می‌شود و برای شرکت‌ها در استان‌هایی که لابی‌های مورد نیاز برای افشای قوی وجود دارد کمتر است، بیشتر شرکت‌ها در شهر مرکز استان واقع شده است. این یافته‌ها با یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. برآوردهای ضرایب نشان می‌دهد که وابستگی سیاسی شرکت رابطه مثبت معناداری با محافظه‌کاری حسابداری دارد که این نتیجه یافته‌های چانی و همکاران (۲۰۰۱)؛ بال و همکاران (۲۰۰۳) در تضاد است. نتایج نشان می‌دهد بین شدت لابی‌گری و محافظه‌کاری غیر مشروط رابطه مثبت معناداری وجود ندارد، این یافته با نتایج مطالعات قبلی که نشان می‌دهد که محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط رابطه منفی معناداری وجود دارد سازگار است (رایان و بیور، ۲۰۰۵). به طور خلاصه، یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش دید عمومی در تعدیل رابطه بین لابی‌های سیاسی و محافظه‌کاری حسابداری پررنگ است. در اکثر کشورهای دیگر که به فعالیت‌های سیاسی شرکت‌ها نظیر لابی‌گری یا ارتباطات سیاسی به دلیل ساختارهای سازمانی و / یا هنجارهای اجتماعی توجه کمتری می‌شود، رابطه بین ارتباطات لابی‌گری / سیاسی و محافظه‌کاری ممکن است متفاوت باشد. رابطه مستقیم بین دید و محافظه‌کاری احتمالاً ساختاری است در حالی که رابطه بین لابی شرکت و محافظه‌کاری احتمالاً توسط رویدادهای نظارتی بیشتر می‌شود. شدت لابی، حوادث نظارتی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که اگر شرکت تحت مداخلات

- among Chinese firms. *Journal of Financial Economics*, 77: 117-146.
- * Dean, T. J., Vryza, M., Fryxell, G. E. (1998). Do corporate PACs restrict competition? An empirical examination of industry PAC contributions and entry. *Business and Society*, 37(2): 135-156.
 - * Dhaliwal, D., Huang, S., Khurana, I. K., Pereira, R. (2011). Product market competition and accounting conservatism. Working paper, University of Arizona.
 - * Drutman, L. (2012). The business of America is lobbying: Explaining the growth of corporate political activity in Washington, DC. Working paper.
 - * Drutman, L. (2015). The business of America is lobbying: How corporations became politicized and politics became more corporate. Oxford University Press.
 - * Dyck, A., Zingales, L. (2004). Private benefits of control: An international comparison. *The Journal of Finance*, 59(2): 537-600.
 - * Faccio, M. (2002). Politically connected firms: Can they squeeze the state? Unpublished working paper, Purdue University.
 - * Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American Economic Review*, 96: 369-386.
 - * Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A cross-country analysis. *Financial Management*, 39: 905-928.
 - * Faccio, M., Masulis, R. W., McConnell, J. J. (2006). Political connections and corporate bailouts. *Journal of Finance*, 61: 2597-2635.
 - * Goldman, E., Rocholl, J., So, J. (2013). Political connected boards of directors and the allocation of procurement contracts. *Review of Finance*, 17(5): 1617-1648.
 - * Gow, I. D., Ormazabal, G., Taylor, D. J. (2010). Correcting for cross-sectional and time-series dependence in accounting research. *The Accounting Review*, 85: 483-512.
 - * Granger, C. W. J. (1969). Investigating causal relations by econometric models and cross-spectral models. *Econometrica*, 37: 424-438.
 - * Greenwood, R., Suddaby, R. (2006). Institutional entrepreneurship in mature fields: The big five accounting firms. *Academy of Management Journal*, 49(1): 27-48.
 - * Grier, K. B., Michael, C. M., Roberts, B. E. (1994). The determinants of industry political activity, 1978-1986. *American Political Science Review*, 88: 911-926.
 - * Grossman, G. M., Helpman, E. (1994). Protection for sale. *American Economic Review*, 84: 833-850.
 - * Grossman, G. M., Helpman, E. (2002). Integration versus outsourcing in industry equilibrium. *The Quarterly Journal of Economics*, 117: 85-120.
 - * Guedhami, O., Pittman, J. A., Saffar, W. (2014). Auditor choice in politically connected firms. *Journal of Accounting Research*, 52(1): 107-162.
 - * Hall, S. C. (1993). Political scrutiny and earnings management in the oil refining industry. *Journal of Accounting and Public Policy*, 12: 325-351.
 - * Hill, M. D., Kelly, G. W., Lockhart, G. B., Van Ness, R. A. (2013). Determinants and effects of
 - * Baysinger, B. D., Woodman, R. (1982). Dimensions of the public affairs/government relations function in major American corporations. *Strategic Management Journal*, 3: 27-41.
 - * Beaver, W. H., Ryan, S. G. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of Accounting Studies*, 10(2&3): 269-309.
 - * Bebchuk, L. A., Jackson, R. J. (2013). Shining light on corporate political spending. *The Georgetown Law Journal*, 101: 923-967.
 - * Bertrand, M., Bombardini, M., Trebbi, F. (2011). Is it whom you know or what you know? An empirical assessment of the lobbying process. Working paper, National Bureau of Economic Research.
 - * Bombardini, M., Trebbi, F. (2011). Votes or money? Theory and evidence from the US congress. *Journal of Public Economics*, 95: 587-611.
 - * Brasher, H., Lowery, D. (2006). The corporate context of lobbying activity. *Business and Politics*, 8: 1-23.
 - * Burnett, B., Chen, H., Gunny, K. (2014). Auditor-provided lobbying service and audit quality. Working paper, University of Colorado at Denver.
 - * Cahan, S. F., 1992. The effect of antitrust investigations on discretionary accruals: A refined test of the political-cost hypothesis. *The Accounting Review*, 67(1): 77-95.
 - * Callen, J. L., Guan Y., Qiu, J. (2010). The market for corporate control and accounting conservatism. Working paper, University of Toronto.
 - * Cano-Rodríguez, M., Núñez-Nickel, M. (2015). Aggregation bias in estimates of conditional conservatism: Theory and evidence. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42: 51-78.
 - * Carroll, A. B., Buchholtz, A. K. (2008). *Business & society – Ethics and stakeholder management*, 7th Edition. Cengage Learning.
 - * Chan, L. H., Chen, T., Janakiraman, S. N., Radhakrishnan, S. (2012). Reexamining the relationship between audit and nonaudit fees: Dealing with weak instruments in two-stage least squares estimation. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 27: 299-324.
 - * Chaney, P. K., Faccio, M., Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51: 58-76.
 - * Chen, C. J., Ding, Y., Kim, C. F. (2010). High-level politically connected firms, corruption, and analyst forecast accuracy around the world. *Journal of International Business Studies*, 41(9), 1505-1524.
 - * Chen, H., Parsley, D., Yang, Y. (2015). Corporate lobbying and financial performance. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42(3-4): 444-481.
 - * Coates, J. (2012). Corporate politics, governance, and value before and after Citizens United. *Journal of Empirical Legal Studies*, 9: 657-696.
 - * Correia, M. M. (2012). Political connections, SEC enforcement, and accounting quality. Working paper, London Business School.
 - * Cull, R., Xu, L. C. (2005). Institutions, ownership and finance: The determinants of profit reinvestment

- * Li, X. (2015). Accounting conservatism and the cost of capital: An international analysis. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42: 555-582.
- * Mahood, H. R. (1990). *Interest group politics in America*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- * Martin, G. W., Thomas, W. B., Wieland, M. M. (2016). S&P 500 membership and managers' supply of conservative financial reports. *Journal of Business Finance & Accounting*, 43: 543-571.
- * Morck, R., Sepanski, J., Yeung, B. (2001). Habitual and occasional lobbyists in the US steel industry: An EM algorithm pooling approach. *Economic Inquiry*, 39: 365-379.
- * Kong, X., Radhakrishnan, S., Tsang, A. (2017). Corporate Lobbying, Visibility and Accounting Conservatism, *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 44, Issue 5-6, pp. 527-557.
- * Petersen, M. A. (2009). Estimating standard errors in finance panel data sets: Comparing approaches. *Review of Financial Studies*, 22: 435-480.
- * Pope, P. F., Walker, M. (2003). Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness. Lancaster University and University of Manchester.
- * Ramanna, K., Roychowdhury, S. (2010). Elections and discretionary accruals: Evidence from 2004. *Journal of Accounting Research*, 48: 445-475.
- * Ryan, S. G. (2006). Identifying conditional conservatism. *European Accounting Review*, 15: 511-525.
- * Schuler, D. A. (1996). Corporate political strategy and foreign competition: The case of the steel industry. *Academy of Management Journal*, 39: 720-737.
- * Smith, J. (2016). U.S. political corruption and firm financial policies. *Journal of Financial Economics*, 121(2): 350-367.
- * Watts, R. L. (1977). Corporate financial statements: A product of the market and political processes. *Australian Journal of Management*, 2: 53-75.
- * Watts, R. L. (2003a). Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17: 207-221.
- * Watts, R. L. (2003b). Conservatism in accounting, Part II: evidence and research opportunities. *Accounting Horizons*, 17: 287-301.
- * Watts, R. L., Zimmerman, J. L. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *The Accounting Review*, 53: 112-134.
- * Yu, F., Yu, X. (2011). Corporate lobbying and fraud detection. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 46(6): 1865-1891.
- corporate lobbying. *Financial Management*, 42(4): 931-957.
- * Johnson, S., Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67: 351-382.
- * Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29: 193-228.
- * Khan, M., Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48: 132-150.
- * Khwaja, A. I., Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *Quarterly Journal of Economics*, 120: 1371-1411.
- * Kim, C., Yang, Z., Zhou, O. (2013). Politically connected boards and audit pricing: U.S. Evidence. Working paper. City University of Hong Kong.
- * King, B. G. (2008). A political mediation model of corporate response to social movement activism. *Administrative Science Quarterly*, 53: 395-421.
- * King, B. G., Soule, S. A. (2007). Social movements as extra-institutional entrepreneurs: The effect of protests on stock price returns. *Administrative Science Quarterly*, 52: 413-442.
- * Kostova, T., Roth, K., Dacin, M. T. (2008). Institutional theory in the study of multinational corporations: A critique and new directions. *Academy of Management Review*, 33: 994-1006.
- * Kothari, S. P., Ramanna, K., Skinner, D. J. (2010). Implications for GAAP from an analysis of positive research in accounting. *Journal of Accounting and Economics*, 50: 246-286.
- * LaFond, R., Roychowdhury, S. (2008). Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 46: 101-135.
- * LaFond, R., Watts, R. L. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83: 447-478.
- * Lara, J. M. G., Osma, B. G., Penalva, F. (2009). The economic determinants of conditional conservatism. *Journal of Business Finance & Accounting*, 36(3&4): 336-372.
- * Lennox, C. S., Park, C. W. (2006). The informativeness of earnings and management's issuance of earnings forecasts. *Journal of Accounting and Economics*, 42: 439-458.
- * Lenway, S., Jacobson, C. K., Goldstein, J. (1990). To lobby or to petition: The political environment of U.S. trade policy. *Journal of Management*, 16: 119-134.
- * Lev, B., Petrovits, C., Radhakrishnan, S. (2010). Is doing good good for you? How corporate charitable contributions enhance revenue growth. *Strategic Management Journal*, 31(2): 182-200.
- * Li, K., Prabhala, N. (2007). Self-selection models in corporate finance. In B.E. Eckso (Ed.), *Handbook of corporate finance: Empirical corporate finance* (pp. 37-86). Amsterdam, The Netherlands: Elsevier Science B.V.